نگاه

جنگ و دانش بومی

احمد شیرزاد

زمانی در جریان جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، کسانی تصور می‌کردند راهبرد جنگی ایران قربانی‌کردن امواج انسانی است. آنها بر این گمان بودند که ایران به دلیل تکیه بر امواج بسیج، از داشتن سلاح‌های پیشرفته طفره می‌رود. این تصور درست نبود. آنچه در راهبرد ایران انقلابی از آن پرهیز می‌شد، اتکا به سلاح‌های پیشرفته‌ای بود که اختیارش دست دیگران باشد؛ چنین چیزی با نداشتن آن فرقی ندارد. تصور کنید کشوری در منطقه ما پیشرفته‌ترین جنگنده‌های آمریکایی را در اختیار داشته باشد؛ آیا چنین کشوری قادر است در صورت تهاجم صهیونیست‌های وحشی حتی یکی از آنها را به پرواز درآورد؟ اینکه سهل است، در ازای حمایت تسلیحاتی آمریکایی‌ها از یک حکومت، آیا اصولا اجازه کمترین اخمی نسبت به رژیم اسرائیل به آن حکومت داده خواهد شد؟ به خاطر دارم در همان دوران جنگ هشت‌ساله ایران با بعثی‌های عراق، بچه‌های جبهه و جنگ به ما روزنامه‌نگارها اصرار داشتند بگویند که در جنگ بنایشان قربانی‌کردن نیروها نیست و تلاش دارند از پیشرفته‌ترین تاکتیک‌ها و برنامه‌ریزی‌ها استفاده کنند. انصاف قضیه این است که دیدگاه مقام معظم رهبری از همان دوران دفاع مقدس، دیدگاهی بسیار علمی و پیشرو بر مبنای استفاده از پیشرفته‌ترین فناوری‌ها و جنگ‌افزارهای روز بود. در نتیجه چنین دیدگاهی، تجهیزات و امکانات نیروهای مسلح تا حد امکانات قابل حصول، روز به روز پیشرفت کرد و ایران امروز در شرایطی قرار گرفت که چنانچه دیدیم، همگان دریافتند تعرض به آن بسیار سخت و پرهزینه است. ایران اسلامی در چهار دهه گذشته با تکیه بر استعدادهای بومی خود توانسته است سامانه‌های بازدارنده قدرتمندی را طراحی کند؛ هرچند هنوز زمینه‌های زیادی برای کار در پیش است. اگر ظرف ۱۲ روز توانستیم دشمن را در استفاده از ماشین جنگی جهنمی خود متوقف کنیم، این نتیجه چهار دهه تلاش نیروهای متخصص توانمند و باسواد ماست. جنگ اخیر نشان داد که پس از این هم برای حفظ توانمندی راهبردی خویش در منطقه و جهان، چاره‌ای جز تکیه بر دانش و فناوری پیشرفته بومی نداریم.

یادداشت

و سرانجام جنگ

مرتضی شربیانی

سرانجام جنگی که همه نگران آن بودند به وقوع پیوست. جنگی که با حمله نظامی-امنیتی-تبلیغاتی اسرائیل به ایران در ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ آغاز شد و ۱۲ روز بعد با حمله ایران به پایگاه آمریکایی در قطر پایان یافت. حمله اسرائیل به وضوح حرکتی طراحی‌شده و دقیق بود که آشکار است درخصوص ابعاد و روند آن سال‌های متمادی برنامه‌ریزی شده بود. البته از آغاز پیش‌بینی می‌شد که در سال جاری شاهد حوادث و تحولاتی در رابطه با پرونده هسته‌ای و برجام باشیم؛ چراکه براساس قطع‌نامه ۲۲۳۱ آخرین محدودیت‌های ایران در زمینه صنعت هسته‌ای در اکتبر ۲۰۲۵ به پایان می‌رسید و با توجه به تعلیق تعهدات ایران در چارچوب برجام، متعاقب خروج آمریکا از این توافق، مشخص بود که در سال جاری تنش‌هایی بین ایران و غرب به وجود خواهد آمد. اما شروع مذاکرات موجب پدیدآمدن فضایی آکنده از خوش‌بینی به کاهش تنش در منطقه شد که با حمله اسرائیل این فضا جای خود را به فضایی آکنده از بهت و وحشت داد. حال و با توجه به استقرار آتش‌بس، مهم‌ترین نکات برای توجه و تأکید درخصوص روند جنگ چه می‌تواند باشد؟ به نظر می‌رسد در حال حاضر موارد ذیل را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین نکات مورد توجه و تأکید قرار داد.

۱- ایران در جنگ اخیر شخصیت‌های بسیار مهمی را از دست داد و اغلب این ضایعات در ۲۴ ساعت اول جنگ به کشورمان وارد شد. به بیان دیگر اولین روز جنگ روز بسیار بد و خسارت‌باری برای ما بود. اما این چیز عجیبی نیست؛ درواقع در تمام جنگ‌های گذشته نیز طرف مهاجم در مراحل اولیه نبرد، دستاوردهای مهمی داشته است. آغازکننده جنگ قبل از شروع تهاجم، برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای انجام داده، شکل حمله خود را مشخص و اهداف خود را تعیین می‌کند؛ بنابراین در شرایط غافلگیری معمولا ضایعاتی به کشور مدافع وارد می‌شود. ایران نیز در روز اول حمله اسرائیل متحمل خسارت‌های مهمی شد و شخصیت‌های ارزشمندی را از دست داد. اما نکته مهم و درخور توجه در این میان سرعت بازیابی نیروهای نظامی علی‌رغم ضایعات وارده به آنها بود؛ تا جایی که اولین حملات مؤثر ایران به اسرائیل در کمتر ۲۴ ساعت پس از شروع تهاجم اسرائیل انجام شد. این موضوع با توجه به فرهنگ ریشه‌دار کشورمان در زمینه متکی‌بودن به شخصیت‌ها و افراد می‌تواند بسیار ارزشمند تلقی شده و نشانه روشنی از تقویت فعالیت‌های سیستمی و جمع‌محور در نیروهای مسلح ایران است.

۲- در روزهای پیش از حمله، ایران تمام تلاشش را کرد که به یک مصالحه متوازن دست یابد و علی‌رغم گذشته ترامپ، در تعامل با او تردید نکرد. اما همه چیز ناگهان به هم خورد. درواقع باز هم حسن نیت و تلاش کشورمان جهت تعامل و رفع اختلافات با آمریکا، به صخره سخت واقعیت برخورد کرد. در سال‌های گذشته افسانه‌هایی ساخته و توسط رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور ترویج شده که بی‌توجه به تلاش‌های مداوم ایران در جهت رفع اختلافات با آمریکا و تلاش‌های معکوس آمریکا در جهت تداوم تخاصم، مدعی است ایران به دلایل ایدئولوژیک به دنبال تداوم تنش با آمریکاست. اما این بار آمریکا از مذاکره به‌عنوان ابزاری برای ایجاد اطمینان در ایران و تسهیل حمله اسرائیل استفاده کرد. البته نمی‌توان با قطعیت بیان کرد که آیا ترامپ از ابتدا مذاکره را به‌عنوان روشی برای پنهان‌کردن تهاجم نظامی در پیش گرفته، اما اکنون می‌توان دلایلی را برای مواضع گیج‌کننده ترامپ در خلال گفت‌وگوها پیدا کرد. ایران در چندین ماه گذشته تلاش کرده تا با صرف‌نظرکردن از مواضع متناقض آمریکا و اقدامات غیرحرفه‌ای این کشور در زمینه رسانه‌ای‌کردن محتوای مذاکرات، همچنان به تعامل با آمریکا ادامه دهد. اما حالا می‌توان با اطمینان از این صحبت کرد که رویکرد ترامپ لااقل در چند هفته منتهی به حمله اسرائیل، تنها دورکردن توجه مقام‌های ایرانی از حمله قریب‌الوقوع به کشورمان بوده است. با وجود وقوف بر تمام موارد فوق‌الذکر شاید مهم‌ترین نکته در شرایط فعلی، اجتناب از تصمیمات شتاب‌زده و احساسی و تأمل کافی پیش از هر تصمیم جدی است. البته مواضع اصولی و منطقی وزیر امور خارجه به روشنی نشان‌دهنده رویکردی عقلانی در زمینه اتخاذ تصمیمات آتی است. بااین‌حال، نگرانی در این است که فضای ملی و میهنی این روزهای کشور و به‌ویژه خشم ناشی از اقدامات ترامپ، موجب شود فضا برای مذاکرات احتمالی با طرف‌های غربی تنگ‌تر شود.

ادامه در صفحه ۳

«شرق» سیاست تروئیکای اروپایی در قبال پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات دیپلماتیک را واکاوی می‌کند

نقش سیاه قاره سبز

مالک مصدق: جنگ ۱۲روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران که با حمایت مستقیم ایالات متحده در بحبوحه مذاکرات غیرمستقیم تهران-واشنگتن در مسقط رخ داد، اعتماد ایران به فرایندهای دیپلماتیک را به‌شدت تضعیف کرده است. این درگیری که در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ با حملات متجاوزانه به تأسیسات هسته‌ای، نظامی و غیرنظامی ایران آغاز شد و با مداخله آمریکا در دوم تیرماه تشدید یافت، نه‌تنها شکنندگی آتش‌بس کنونی را آشکار کرد، بلکه نقش تروئیکای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، آلمان) و اتحادیه اروپا را در معادلات منطقه‌ای و جهانی زیر سؤال برد. گفت‌وگوی تلفنی اخیر میان عباس عراقچی، وزیر امور خارجه و کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، همراه با مواضع اروپا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، نشان‌دهنده تلاش قاره سبز برای بازتعریف نقش خود در دیپلماسی است. بااین‌حال، وابستگی استراتژیک اروپا به آمریکا، استانداردهای دوگانه در قبال حقوق بین‌الملل و انفعال در برابر تجاوزات اسرائیل و آمریکا، جایگاه هنجاری اروپا را تضعیف کرده است.

انفعال اروپا در برابر تجاوزات و نقض هویت هنجاری در معادلات دیپلماتیک

تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپا که خود را به‌عنوان قدرت‌های هنجاری مبتنی بر ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، رعایت حقوق بین‌الملل و دیپلماسی معرفی می‌کنند، در جریان جنگ ۱۲روزه‌ای که رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران به راه انداختند، رویکردی منفعلانه و گاه همسو با منافع واشنگتن و تل‌آویو اتخاذ کردند. عباس عراقچی در گفت‌وگوی تلفنی روز سه‌شنبه هفته جاری با کایا کالاس، ضمن انتقاد از مماشات برخی کشورهای اروپایی با قانون‌شکنی‌های رژیم صهیونیستی، تأکید کرد اظهارنظرهای توجیه‌گر نقض حقوق بین‌الملل، به منزله شراکت در جنایات این رژیم است. او حملات به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و کشتار غیرنظامیان را ضربه‌ای بی‌سابقه به دیپلماسی، رژیم منع اشاعه و قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت دانست.

مواضع اروپا در این بحران، به‌ویژه عدم محکومیت صریح حملات اسرائیل و آمریکا، نشان‌دهنده استانداردهای دوگانه‌ای است که اعتبار هنجاری این قاره را مخدوش کرده است. بیانیه گروه ۷ (G7) در ژوئن ۲۰۲۵ که ایران را «منبع اصلی بی‌ثباتی و تروریسم منطقه‌ای» خواند و از حملات صهیونیست‌ها حمایت کرد، نمونه‌ای از این رویکرد است. این موضع‌گیری، همراه با سکوت تروئیکای اروپا (آلمان، فرانسه و انگلستان) در برابر تجاوزات، نه‌تنها روابط ایران و قاره سبز را تیره‌تر کرد، بلکه جایگاه اروپا به‌عنوان یک بازیگر مستقل در نظام بین‌الملل را تضعیف کرد. در پیوست این نکته، عراقچی در گفت‌وگو با کالاس هشدار داد که تداوم این رویکرد مخرب، مسیر دیپلماسی را دشوارتر خواهد کرد؛ به‌ویژه در شرایطی که ایران به دلیل نقض مذاکرات مسقط از طرف آمریکا، اعتماد خود به فرایندهای دیپلماتیک را از دست داده است. این انفعال ریشه در وابستگی استراتژیک اروپا به آمریکا، به‌ویژه در چارچوب ناتو و نگرانی‌های داخلی کشورهای اروپایی دارد. به‌عنوان مثال، نفوذ لابی‌های یهودی در فرانسه و حساسیت‌های تاریخی آلمان درباره هولوکاست، اروپا را به سمت مماشات با صهیونیست‌ها سوق داده است. تنها کشورهایی معدودی مانند اسپانیا و ایرلند با محکومیت حملات اسرائیل و درخواست لغو توافق‌نامه تجارت آزاد با این رژیم، رویکردی متفاوت نشان دادند. این تفاوت نشان‌دهنده شکاف درونی در اتحادیه اروپا است، اما به دلیل تسلط تروئیکا، صدای این کشورها کمتر شنیده شده است.

مکانیسم ماشه و اهرم‌های فشار اروپا

در میانه معادلات پیچیده پرونده هسته‌ای که پس از جنگ اخیر بغرنج تر هم شده است، باید به مباحث مهم دیگری هم پرداخت که یقینا محل اثر جدی خواهد بود. یکی از این موضوعات ناظر بر احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه است. با نزدیک‌شدن به اکتبر ۲۰۲۵ و پایان برخی محدودیت‌های هسته‌ای ایران تحت بندهای غروب قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، تروئیکای اروپایی تلاش می‌کنند تا اهرم‌های فشار خود بر ایران را حفظ کنند. مکانیسم ماشه که امکان بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را فراهم می‌کند، به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار اروپا برای تأثیرگذاری بر مذاکرات هسته‌ای مطرح است. اروپا با پیش‌کشیدن این مکانیسم، نه‌تنها به دنبال فشار بر ایران، بلکه جلب توجه آمریکا و بازتعریف نقش خود در معادلات جهانی است. این اقدام، به گفته تحلیلگران، تلاشی برای جبران انفعال اروپا در برابر کنار گذاشته‌شدن از روندهای دیپلماتیک از سوی دونالد ترامپ است.

در همین زمینه گدعون ساعر، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، دیروز (چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۴) در شبکه اجتماعی ایکس به تصمیم ایران برای تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) واکنش نشان داد. این تصمیم پس از تصویب طرح دوفوریتی مجلس ایران در پاسخ به حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای این کشور و تأیید شورای نگهبان اتخاذ شد. قانون «الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس» که از طرف رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان ابلاغ شد، همکاری با آژانس را تا تضمین امنیت تأسیسات و دانشمندان هسته‌ای ایران معلق می‌کند. ساعر این اقدام را «چشم‌پوشی کامل از تعهدات بین‌المللی هسته‌ای» ایران خواند و از تروئیکای اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) خواست مکانیسم ماشه را فعال کرده و تحریم‌های سازمان ملل ذیل برجام را بازگردانند. این موضع‌گیری در حالی است که رژیم صهیونیستی، تنها دارنده زرادخانه هسته‌ای در غرب آسیا، خود عضو هیچ معاهده هسته‌ای بین‌المللی نیست و از شفافیت در برنامه تسلیحاتی خود امتناع می‌ورزد.

تصمیم ایران ریشه در حملات اخیر آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای‌اش، ازجمله نطنز و فردو دارد که به گفته مقامات ایرانی، نقض آشکار قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. این اقدام ایران، پاسخی به عدم محکومیت این تجاوزات از طرف غرب و گزارش‌های جانبدارانه آژانس است. درخواست ساعر برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه، نشان‌دهنده تلاش صهیونیست‌ها برای تشدید فشار به اروپا در راستای همراه‌کردن اروپا علیه ایران و با هدف تضعیف دیپلماسی است. با نزدیک‌شدن به پایان محدودیت‌های قطع‌نامه ۲۲۳۱ در اکتبر ۲۰۲۵، این موضع می‌تواند تنش‌ها را افزایش دهد و خطر خروج ایران از ان‌پی‌تی را تقویت کند. اروپا که بین حفظ استقلال و همسویی با آمریکا گرفتار است، با چالش حفظ دیپلماسی در برابر فشارهای اسرائیل و آمریکا مواجه است.

عراقچی در گفت‌وگوی تلفنی روز سه‌شنبه با کایا کالاس، ضمن انتقاد از قطع‌نامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حمایت برخی کشورهای اروپایی از تجاوزات علیه ایران، درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه هشدار داد. او تأکید کرد که چنین اقداماتی نه‌تنها دیپلماسی را به بن‌بست می‌کشاند، بلکه می‌تواند ایران را به سمت خروج از معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان‌پی‌تی) یا توقف همکاری با آژانس سوق دهد. این هشدار با توجه به تعلیق اخیر همکاری ایران با آژانس به دلیل گزارش‌های جانبدارانه رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، جدی‌تر به نظر می‌رسد.

کایا کالاس نیز در این گفت‌وگو، ضمن تأکید بر نبود شواهد مبنی بر نظامی‌بودن برنامه هسته‌ای ایران، خواستار بازگشت به مذاکرات و یافتن راه‌حل دیپلماتیک شد. این موضع نشان‌دهنده تلاش اروپا برای حفظ تعادل بین فشار و دیپلماسی است. بااین‌حال، وابستگی استراتژیک تروئیکا به آمریکا، به‌ویژه در سایه سیاست‌های تهاجمی ترامپ، توانایی اروپا برای ایفای نقش میانجی مستقل را محدود کرده است. اروپا درحالی‌که از یک سو خواستار مذاکره است، از سوی دیگر با تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، سیاستی دوگانه را پیش می‌برد که اعتماد ایران را بیش از پیش تضعیف می‌کند.

نقش اروپا در سه بحران جهانی؛ از انفعال تا ابزارمحوری

سیاست تروئیکای اروپایی در سه بحران عمده جهانی از پرونده هسته‌ای ایران گرفته تا جنگ اوکراین و جنگ غزه، همگی نشان‌دهنده کاهش تدریجی اعتبار و عاملیت این قاره در نظام بین‌الملل است. در پرونده هسته‌ای ایران، اروپا از زمان خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ نتوانست تعهدات خود برای عادی‌سازی روابط تجاری با ایران را عملی کند که این امر به کاهش اعتماد تهران منجر شد. دراین‌بین، فرمول‌های متنوعی مانند اس‌پی‌وی (SPV) و اینستکس با هدف عمل به تعهدات‌شان، طبق مفاد مندرج در برجام بدون خروجی ملموس ناکام ماند که نشان از ناتوانی اروپایی‌ها در بازیگری و بازی‌گردانی دیپلماتیک دارد. در جنگ اوکراین، اروپا با حمایت قاطع از کی‌یف و همسویی با تحریم‌های آمریکا علیه روسیه، خود را در تقابل غیرمستقیم با ایران قرار داد، به‌ویژه به دلیل حمایت ایران از روسیه. در جنگ غزه، سکوت یا حمایت ضمنی تروئیکا از اقدامات صهیونیست‌ها، ازجمله در جریان نسل‌کشی ادعایی در غزه، اعتبار هنجاری اروپا را بیش از پیش مخدوش کرد.

دونالد ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری خود، با کنارگذاشتن اروپا از فرایندهای دیپلماتیک در این سه بحران، نقش این قاره را به یک مکمل ابزاری برای سیاست‌های آمریکا تقلیل داد. به‌عنوان مثال، او در موضوع اوکراین مستقیما با ولادیمیر پوتین وارد گفت‌وگو شد و در پرونده ایران، از طریق نامه‌نگاری مستقیم با مقامات ایرانی، اروپا را عملا نادیده گرفت. این انفعال اروپا، به‌ویژه در دیدار ژنو که با واکنش منفی ترامپ مواجه شد، نشان‌دهنده نبود تمایل او به پذیرش نقش مستقل برای تروئیکاست.

فرانسه و آلمان، در تلاش برای جبران این انفعال، اقداماتی مانند ادعای رهگیری پهپادهای ایرانی یا استفاده از کلیدواژه‌های تحریک‌آمیز را در پیش گرفتند تا خود را به‌عنوان ابزار یا مکمل سیاست‌های آمریکا معرفی کنند. این رویکرد، به گفته تحلیلگران، نه‌تنها استقلال اروپا را زیر سؤال برده، بلکه آن را به بازیگری دست‌چندم در غرب آسیا تبدیل کرده است. روابط اروپا با کشورهای منطقه، ازجمله عراق، لبنان و کشورهای حاشیه خلیج فارس، به اولویت‌های پایین‌تر تنزل یافته، درحالی‌که نقش بازیگرانی مانند چین و روسیه در منطقه تقویت شده است.

چشم‌اندازتیره‌وتاردیپلماسی

گفت‌وگوی تلفنی عراقچی و کالاس، همراه با نشست ژنو میان وزرای خارجه ایران و تروئیکا که در میانه جنگ اخیر برگزار شد، نشان‌دهنده تلاش اروپا برای احیای نقش دیپلماتیک خود است. کالاس با تأکید بر ضرورت راه‌حل دیپلماتیک و حمایت از کاهش تنش، سیگنال‌هایی از آمادگی اروپا برای میانجیگری ارسال کرد. بااین‌حال، تجربه تاریخی مذاکرات هسته‌ای نشان می‌دهد که موفقیت دیپلماسی به چند پیش‌شرط کلیدی وابسته است؛ نخست، اروپا باید از استانداردهای دوگانه فاصله بگیرد و به اصول حقوق بین‌الملل ازجمله محکومیت تجاوزات اسرائیل و آمریکا پایبند باشد. دوم، هماهنگی با دیگر بازیگران جهانی مانند چین و روسیه برای ایجاد اجماع بین‌المللی ضروری است. سوم، ایران نیز باید نشانه‌هایی از انعطاف‌پذیری نشان دهد تا مذاکرات به نتایج ملموس منجر شود.

وزیر امور خارجه کشورمان در ادامه تماس روز سه‌شنبه با کالاس، با تأکید بر حسن نیت ایران در توقف عملیات دفاعی پس از آتش‌بس، اعلام کرد که ایران، نه آغازگر جنگ بوده و نه مایل به تداوم آن است. او از آمادگی نیروهای مسلح ایران برای دفاع در برابر هرگونه تجاوز خبر داد و خواستار تضمین‌های حقوقی از شورای امنیت برای جلوگیری از تکرار خشونت شد. این موضع نشان‌دهنده رویکرد دوگانه ایران است؛ «گشودگی به دیپلماسی همراه با هوشیاری در برابر تهدیدات».

بااین‌حال، تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی تروئیکا که مانند شمیر داموکلس بر سر تهران نگه داشته شده است، یقینا مذاکرات را پیچیده‌تر می‌کند. این مکانیسم، به‌عنوان آخرین اهرم فشار اروپا، ممکن است به تشدید تنش‌ها منجر شود؛ به‌ویژه اگر ایران در پاسخ به فشارها از ان‌پی‌تی خارج شود یا نظارت‌های آژانس را متوقف کند. اروپا در این شرایط بین حفظ استقلال خود و همسویی با آمریکا گرفتار شده است. درحالی‌که کالاس خواستار دیپلماسی است، فشارهای داخلی و خارجی، ازجمله نفوذ لابی‌های یهودی و نگرانی از گروه‌های پوپولیست، توانایی اروپا برای ایفای نقش بی‌طرف را محدود کرده است.

بازگشت به میزیا تشدید تنش؟

سیاست تروئیکای اروپایی در قبال پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات دیپلماتیک، در سایه جنگ ۱۲روزه و وابستگی استراتژیک به آمریکا، در مسیری مخرب و انفعالی قرار گرفته است. مواضع دوگانه اروپا، از حمایت ضمنی از تجاوزات صهیونیست‌ها و آمریکا تا تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، نه‌تنها اعتماد ایران را تضعیف کرده، بلکه جایگاه هنجاری این قاره را در نظام بین‌الملل مخدوش کرده است. گفت‌وگوی عراقچی و کالاس، همراه با نشست ژنو، فرصتی برای احیای دیپلماسی فراهم کرده، اما موفقیت آن به کنارگذاشتن استانداردهای دوگانه، هماهنگی با بازیگران جهانی و ایجاد فضای اعتماد متقابل بستگی دارد.

ایران، با تأکید بر حق خود برای برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و آمادگی برای دفاع در برابر تهدیدات، نشان داده که ضمن گشودگی به گفت‌وگو، از منافع ملی خود کوتاه نخواهد آمد. اروپا، برای خروج از انفعال و بازیابی نقش هنجاری خود، باید از سیاست‌های ابزارمحور آمریکا فاصله بگیرد و به‌عنوان میانجی بی‌طرف عمل کند. در غیر این صورت تهدیدهایی مانند مکانیسم ماشه یا تشدید تحریم‌ها می‌تواند به بن‌بست دیپلماتیک و حتی درگیری‌های بیشتر منجر شود. با نزدیک‌شدن به موعد انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱، اروپا در برابر یک انتخاب تاریخی قرار دارد: «بازسازی جایگاه خود از طریق دیپلماسی سازنده یا ادامه انفعال در سایه سیاست‌های تهاجمی آمریکا». تاریخ نشان داده دیپلماسی تنها راه پایان‌دادن به بحران‌هاست، اما این امر نیازمند عقلانیت، شجاعت و پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل از سوی همه طرف‌هاست.

خبر

جلسه سران قوا به میزبانی قوه مقننه برگزار شد

جلسه سران قوا به میزبانی قوه مقننه برگزار شد. در این جلسه به بررسی مسائل مختلف کشور پرداخته شد. جلسه سران قوا به میزبانی قوه مقننه با حضور مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه و محمدباقر قالیباف در مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

هشدار حاجی‌پور درباره سوءاستفاده از سیم‌کارت‌های اجاره‌ای در شرایط جنگی

رئیس فراکسیون تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری مجلس با هشدار نسبت به سوءاستفاده عوامل صهیونیستی و برخی اتباع بیگانه از سیم‌کارت‌های اجاره‌ای، گفت: در شرایط جنگی، ممکن است از سیم‌کارت‌های اجاره‌ای برای انجام اقدامات خرابکارانه استفاده شود؛ لذا لازم است که وزارت ارتباطات اطلاع‌رسانی کند. به گزارش ایسنا، رضا حاجی‌پور با بیان اینکه برخی از اتباع بیگانه و عوامل صهیونی با استفاده از ناآگاهی مردم و عدم اطلاع‌رسانی به‌موقع از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از سیم‌کارت‌های اجاره‌ای استفاه کرده‌اند، گفت: براساس مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، هر فرد حقیقی می‌تواند تعداد محدودی سیم‌کارت تلفن همراه را به نام خود ثبت کند منتها به دلیل عدم مدیریت مناسب، بخشی از این سیم‌کارت‌های حقیقی و حقوقی، توسط مالکین سیم‌کارت به افراد دیگر و بعضا اتباع بیگانه غیرمجاز اجاره داده شده است. وی افزود: در شرایط جنگ تحمیلی ممکن است این سیم‌کارت‌ها توسط عوامل صهیونی در داخل کشور مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشد. توقع این بود وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از همان ابتدای جنگ تحمیلی اطلاع‌رسانی کرده و هشدار به مالکان سیم‌کارت‌هایی می‌داد که سهوا و بدون اطلاع و آگاهی از تبعات سنگین قانونی این کار و سوءاستفاده احتمالی بیگانگان و دشمنان، سیم‌کارت‌های خود را اجاره داده‌اند. رئیس فراکسیون تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری مجلس اضافه کرد: لازم است هرچه سریع‌تر وزیر ارتباطات درباره این موضوع اطلاع‌رسانی کند. متأسفانه طی چند سال گذشته مدیریت خوبی در حوزه پدیده غیرقانونی اجاره سیم‌کارت‌های حقیقی و حقوقی به افراد غیر و اتباع غیرقانونی صورت نگرفته و این باعث شده که امنیت ملی کشور با خرابکاری به مخاطره بیفتد.

شناخت ما

ادامه از صفحه اول

اینکه بگوییم «فکر نمی‌کردیم اسرائیل چنین بکند و آمریکا نیز»، چاره کار نیست. دیدیم که هواپیماهای اسرائیلی و آمریکایی با وقاحت تمام به سرزمینمان حمله کردند و با وقیحانه‌ترین شکل و غیرقانونی‌ترین شیوه کشور ما را مورد تعرض قرار دادند. اعضای پیمان شانگهای، بریکس، همسایگان (اگر به اسرائیل کمک نکرده باشند) بعضا به محکومیت خشک و خالی قناعت کردند و برخی فقط ابراز تأسف کردند و البته بیشتر آنان لبخندی پنهانی بر لب آوردند. دشمن توسعه‌طلب، حیله‌گر، پرقدرت و پرپشتیبان، وقیح است و خود را عامل احکام خداوندی در تورات و دیگر کتب یهود می‌داند و چون آمریکا را پشتیبان بی‌قیدوشرط و روسیه و چین و اروپا را پشتیبان وجود و استقلال خود می‌داند، به هر عملی دست می‌یازد، زیرا دینداران آنها خود را عامل احکام خداوند و بی‌دینان آنها خود را خدمتگزار امپریالیسم و نیروی نیابتی آنها در منطقه می‌شمارند. سازمان‌های بین‌المللی در بی‌خاصیتی یا با خاصیتی به نفع آنها کار می‌کنند. حقیقت آن است که در این گیرودار ایران تنهاست. کار را به ان‌شاءالله و ماشاءالله نمی‌توان واگذار کرد. وعده رفاه بیشتر در عین تبعیض و نابرابری موجود در کشور به مردم نمی‌توان داد. اگر رسالت را مبارزه و نبرد می‌دانیم، بسیاری از امور و حتی کل مدیریت کشور باید به‌طور واقع‌بینانه در شرایط جنگی و آماده‌باش باشد، در غیر این صورت آینده‌ای را نمی‌توان برای فرزندان میهن ترسیم کرد. اگر واقعا در پی دفاع از ارزش‌ها و مقاومت در برابر سلطه صهیونیسم و امپریالیسم هستیم، باید از هر لحاظ رخت مبارزه را در سراسر کشور و مرزها بپوشیم و از رفاه‌طلبی، رانت‌خواری، فساد و شعارهای توخالی و نامنطبق بر واقعیات دست برداریم و همچون سیره امامان معصوم با وجود توانایی‌های ماورایی با واقعیت‌ها مثل سایر مردم برخورد کنیم.